

♦ چهارشنبه ۱۷ دی ۱۴۰۴ ♦ شماره ۲۱۲۱ ♦ سال نهم ♦ ۱۷ رجب ۱۴۴۷ ♦ ۷ ژانویه ۲۰۲۵ ♦ ۸ صفحه ♦ ۱۰۰۰۰ تومان

روزنامه صبح ایران



توسعه برنامه موشکی به اولویت راهبردی تهران تبدیل شده‌است

تغییر در استراتژی ایران در برابر اسرائیل

صفحه ۲



چرا مأموریت رویبواز همه نقش‌های قبلی‌اش دشوار تر است؟

نایب‌السلطنه‌ونزوئلا

صفحه ۷

یارانه یک میلیون تومانی مشکلات معیشتی را حل می‌کند؟

طعم تلخ شوک ارزی

این در حالی است که پیش از این اقدام هم تورم به شکلی فزاینده رو به افزایش بود به نحوی که تا پایان آذرماه نرخ تورم نقطه ای به بیش از ۵۲ رسیده بود. در میان همه گروه‌ها هم بیشترین تورم با بیش از ۷۲ درصد به گروه خوراکی‌ها تعلق گرفته و این در حالی است که دو زیر گروه «نان و غلات» و «میوه و خشکبار» هم تورمی بیش از ۱۱۰ درصد داشته‌اند. حالا دولت با حذف ارز ترجیحی خوراکی‌ها و دارو، مقدمه یک جهش چند برابری قیمت‌ها به ویژه در بخش خوراکی و دارو و سپس تمام اقتصاد را فراهم کرد.

در ۴ دهه گذشته بارها دولت‌ها دست به تحمیل شوک ارزی زده‌اند اما نتایج آن هیچ‌گاه موفق نبوده است.

شرح در صفحه ۵

بررسی دلایل افزایش تكدی‌گری در تهران وقتی فقر مرزهای جغرافیایی را پشت سر می‌گذارد صفحه ۲	چرا حمله نظامی آمریكا به ونزوئلا تأثیری بر قیمت نفت نداشت؟ حاشیه‌نشینان تحولات بازار نفت صفحه ۴	چرا هزینه ناتوازی سلامت را بیمار می‌پردازد؟ «زیرمیزی» در اتاق عمل! صفحه ۳
به‌قلم: سیده فائزة حسینی نژاد	سخن نخست	آب؛ روایت آرام توسعه در خراسان جنوبی

صرفاً مسئله‌ای فنی، بلکه عنصری حیاتی در آینده اجتماعی و اقتصادی استان بدان. در سفر اخیر رئیس‌جمهور به خراسان‌جنوبی، هرچند تمرکز اصلی سخنان بر ظرفیت‌های توسعه‌ای و پروژه‌های عمرانی بود، اما تأکید ایشان بر بحران آب به‌عنوان یک دغدغه ملی، بار دیگر اهمیت این مسئله را یادآوری کرد.

ادامه در صفحه ۲

به‌قلم: پریسا حاجی محمدی / دکتری کسب و کار حرفه ای DBA



سرمایه‌ها سازمان‌ها را قادر می‌سازد تا درک کنند که چگونه موفقیت آنها به طور مستقیم یا غیرمستقیم توسط این اشکال سرمایه پشتیبانی می‌شود، چگونه اقدامات آنها بر سرمایه‌ها تأثیر می‌گذارد و چگونه این سرمایه‌ها با یکدیگر تعامل دارند، تا خطرات و فرصت‌های قبلاً نادیده گرفته شده را برجسته کرده و تصمیماتی را اتخاذ کنند که نتایج مثبتی برای طبیعت، مردم، جامعه و اقتصاد ارائه می‌دهند. سرمایه های کاربردی طبیعی موجود: منابع طبیعی تجدیدپذیر و تجدیدناپذیر (مثلاً گیاهان، حیوانات، هوا، آب، خاک، مواد معدنی) که برای ایجاد جریان‌ی از مزایای برای مردم پایستی باهم ترکیب شوند، سرمایه انسانی به دانش، مهارت‌ها، شایستگی‌ها و ویژگی‌های یک فرد اشاره دارد و سرمایه اجتماعی به شبکه‌ها و هنجارها، ارزش‌ها و درک مشترک آنها اشاره دارد .

این رویکرد نمایان می کند که سلامت و رفاه این سرمایه‌های مختلف به هم پیوسته و بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. ارزش‌گذاری تأثیرات و وابستگی‌ها توسط کسب‌وکارها نقش مهمی در یک اقتصاد پایدار ایفا می‌کند.

ما مدت‌هاست که از بازنگری جامع در شیوه‌های معمول کسب‌وکار و معیارهای موجود موفقیت اقتصادی حمایت می‌کنیم، ما به همراه شرکای جهانی خود در هر کسب و کار و سازمانی که مشغول فعالیت هستیم، در حال توسعه ابزارها و چارچوب‌هایی هستیم که از کسب‌وکارها در ترسیم این مسیر جدید پشتیبانی می‌کنند

مهم است که اذعان کنیم که ما هنوز در مراحل اولیه این سفر درگرون‌کننده هستیم، در حالی که چالش‌های پیش رو ممکن است دلهره‌آور به نظر برسند، نمی‌توانیم از امکانات عظیمی که در دسترس ماست، غافل شویم. با حفظ تعهد راسخ به این مسیر درگرون‌کننده ما قدرت شکل‌دهی یک سیستم اقتصادی جامع‌تر، عادلانه‌تر و پایدارتر را در سراسر جهان داریم. سیستمی که در کنار موفقیت اقتصادی، برای طبیعت، مردم و جامعه ارزش قائل است و این اصل مهمی است که در مجامع بین المللی مطرح است.

موفقیت سازمان‌ها در سراسر جهان به ارزشی که از سرمایه‌ها دریافت می‌کنند بستگی دارد.سرمایه طبیعی، سرمایه اجتماعی، سرمایه انسانی و سرمایه تولیدی، رویکرد

زمین به شدت در حال تغییر هستند. این امر پایه‌های مدل‌های کسب‌وکار سنتی را تهدید می‌کند و معیارهای مرسوم پیشرفت و موفقیت را به چالش می‌کشد. بزرگی چالش‌های کسب‌وکار را نمی‌توان نادیده گرفت. ما در لبه‌ی پرتگاه یک وضعیت غیرعادی جدید ایستاده‌ایم، جایی که سازگاری و شکوفایی مستلزم فعالیت در محدوده‌ی مرزهای اکولوژیکی و در عین حال افزایش و حفاظت از رفاه میلیاردها نفر در سیاره‌ی ماست. ما می‌دانیم که اگر می‌خواهیم در این قلمرو ناشناخته پیشرفت کنیم، معیارهای مرسوم موفقیت اقتصادی کافی نیستند. برای کاهش اثرات تغییرات اقلیمی، معکوس کردن روند از دست رفتن اکوسیستم‌های طبیعی، ریشه‌کن کردن نابرابری شدید اجتماعی و افزایش رفاه جهانی، یک تغییر اساسی در رویکرد ما مورد نیاز است. ما باید یک الگوی اقتصادی جدید را بپذیریم که ارتباطات اساسی بین سلامت طبیعت، رفاه مردم و موفقیت بازارهای مالی جهانی و فعالیت اقتصادی را به رسمیت می‌شناسد و بر اساس آن عمل می‌کند. ائتلاف سرمایه‌ها نقشی اساسی در ایجاد این تغییر درگرون‌کننده دارد.

به سوی یک الگوی اقتصادی جدید: نقش تصمیم‌گیری یکپارچه در طبیعت، مردم، جامعه و اقتصاد و ابتکارات در مطالعات موردی به سوی یک الگوی اقتصادی جدید می‌گردیم.نقش تصمیم‌گیری یکپارچه در طبیعت، مردم، جامعه و اقتصاد مرور بر اساس ائتلاف سرمایه‌ها موفقیت سازمان‌ها در سراسر جهان به ارزشی که از سرمایه‌ها دریافت می‌کنند بستگی دارد.

سرمایه طبیعی، سرمایه اجتماعی، سرمایه انسانی و سرمایه تولید شده در تفکر و توسعه یک چارچوب جدید و شاخص، برای سرمایه‌ها و اندازه‌گیری آن، مهم است. چارچوبی یکپارچه برای کسب‌وکارها تأثیرات و وابستگی‌های خود را به سرمایه طبیعی، اجتماعی، انسانی و تولیدی شناسایی، اندازه‌گیری و ارزش‌گذاری می‌کنند تا در تصمیم‌گیری‌ها مؤثر باشند و نتایج مثبتی برای طبیعت، مردم و اقتصاد‌ها به ارمغان بیاورند.

در چشم‌انداز اقتصادی همواره در حال تغییر امروز، سازمان‌ها خود را در یک دوراهی بحرانی می‌بینند. زنجیره‌های ارزش جهانی به دلیل تغییرات اقلیمی، نابرابری اجتماعی و فرسایش سیستم‌های طبیعی

یادداشت

تصمیم‌گیری یکپارچه، یک الگوی اقتصادی جدید

اخبار

قابلیات:

ساختر خوبی برای اعطای تسهیلات اشتغالزایی در استان‌ها طراحی شده است



رئیس مجلس شورای اسلامی تاکید کرد: مجلس سازوکاری را برای اعطای تسهیلات اشتغالزایی در استان‌ها طراحی کرده که بر اساس آن حسابی تحت عنوان پیشرفت و عدالت در استان‌ها تشکیل شد.

به گزارش برنا، محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی، در جریان جلسه علنی امروز (سه‌شنبه ۱۶ دی) مجلس و بررسی سوال نمایندگان از وزیر اقتصاد درباره نحوه و میزان تخصیص تسهیلات اشتغالزایی گفت: بنده گزارش تفریغ بودجه را مطالعه کردم و حتماً رئیس دیوان محاسبات امروز این گزارش را به مجلس ارائه خواهد کرد. عملکرد حساب پیشرفت و عدالت از سال ۱۴۰۱ در اینجا آمده است، این بحث دنبال خواهد شد.

وی در ادامه خطاب به وزیر امور اقتصادی و دارایی اظهار کرد: با توجه به اینکه جناح‌عالی در آغاز کار خود در وزارتخانه هستید، بحث اشتغال از سال ۱۴۰۱ واقعاً به‌عنوان یک موضوع مهم مطرح بوده است.

رئیس مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه مجلس در تبصره ۱۸ از سال ۱۴۰۱ و حتی پیش از آن به این موضوع توجه داشته است، تصریح کرد: با زحمات دوستان ما در کمیسیون اقتصاد، سازوکاری را طراحی کردیم که بر اساس آن حسابی تحت عنوان پیشرفت و عدالت در استان‌ها تشکیل شد.

وی در ادامه با تاکید بر اینکه تمامی منابعی که هر ساله در این بخش پیش‌بینی و اختصاص داده می‌شود در این حساب‌ها و نزد خزانه‌داری کل نگهداری می‌شود، افزود: هر سال نیز باید به اعتبارات آن افزوده شود. من نمی‌خواهم بحث را صرفاً در قالب گزارش مطرح کنم؛ چرا که اگرچه این حساب در اختیار وزارت اقتصاد است، اما گزارش‌گیری و اجرای مأموریت اشتغال بر عهده وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است تا وظیفه خود را در حوزه اشتغال انجام دهد.

وی با بیان اینکه وزارت اقتصاد وظیفه کنترل حساب‌ها و عملکرد بانک‌ها را بر عهده دارد، گفت: این موضوع نیز اهمیت بالایی دارد. بانک‌هایی از جمله بانک کشاورزی که مسئولیت‌هایی در این زمینه داشتند، متأسفانه به‌درستی عمل نکردند. برای اعطای تسهیلات اشتغالزایی ساختار نسبتاً خوبی طراحی شده، به‌ویژه در سطح استان‌ها، استان‌های محروم، شهرستان‌ها و روستاها. وی با بیان اینکه مردم در مناطق مختلف به‌ویژه در حوزه اشتغال، دسترسی آسانی به بانک‌ها ندارند، گفت: عملاً تنها دسترسی و ظرفیت موجود برای مردم همین حساب و منابع پیش‌بینی‌شده در آن است. هر سال منابعی در این حساب قرار داده می‌شود که همه آن‌ها به‌صورت قرض الحسنه است و مجدداً باید منابع آن به حساب‌ها بازگردد.

وی در پایان ابراز امیدواری کرد که در دوره مدیریت جدید، این سازوکار به‌درستی اجرایی شود و گفت: امیدوارم در دوره مدیریت شما این کار به شکل صحیح پیش برود.

راز سر گذراند، دوباره ذیل فصل هفتم منشور قرارگرفت، و معیشتش روزبه‌روز سخت‌تر شد؛ تاآنجا که امروز نه مشارکت می‌کند و نه نمایندگی می‌شود - فقط نظاره‌گر است، و خشمگین.

این وضعیت تصادفی نیست. ریشه‌ی آن درحذف لایه‌ی عقلانی و اجتماعی که درهر نظام حکمرانی پایدار، میان دولت وجامعه قرار می‌گیرد ووظیفه‌اش تبیین خواست مردم به زبان سیاست و توضیح منطق قدرت برای جامعه است، نهفته می‌باشد. باحذف این لایه، دولت به گفتاری یک‌طرفه فروکاسته می‌شود: می‌گوید، اما نمی‌شود؛ تصمیم می‌گیرد، اما توضیح نمی‌دهد.

آقای پزشکیان، دولت شما اگرچه منتخب است، اما نماینده نیست. رأی مردم آغاز نمایندگی است، اما استمرار آن نیازمند گفت‌وگو، پاسخ‌گویی و تداوم تعامل است. حکمرانی صرفاً اعمال قدرت، صدور دستور یا سخن گفتن‌های یک‌سویه نیست؛ حکمرانی یعنی تنظیم رابطه‌ای پایدار باجامعه. درجوامع پیچیده، دولت وجامعه مستقیماً با یکدیگر سخن نمی‌گویند؛ این گفت‌وگو نیازمند واسطه‌هایی مستقل، امن و برخوردار از مشروعیت است. هنگامی که این واسطه‌ها حذف می‌شوند، سیاست از معنا تهی می‌گردد و حکمرانی به بحران فرو می‌غلطد.

جامعه‌ی ایران امروز، جامعه‌ای جوان، تحصیل‌کرده،

متکثر، شبکه‌ای و آگاه است. مطالبات این جامعه تنها اقتصادی نیست؛ مطالباتی کرامتی، هویتی و آینده‌محور دارد. چنین جامعه‌ای را نمی‌توان با خطابه اداره کرد. اگر امکان بیان عقلانی خواست‌ها ازآن سلب شود، یا به سکوتی انباشته می‌رسد یا به انفجار؛ و این دقیقاً پیامد «انسداد ساختاری گفت‌وگو» است.

درسوی دیگر، دولت نیز بدون تفسیر روشنفکرانه ازجامعه، مردم را نه به‌مثابه کنشگران عقلانی، بلکه به‌صورت توده‌ای هیچانی یا مسئله‌ای امنیتی می‌بیند. درچنین وضعی، شورای یک‌سویه‌ی اطلاع‌رسانی جای «شورای گفت‌وگو» با مردم می‌نشیند؛ سیاست‌گذاری، جای خود را به مدیریت بحران می‌دهد؛ گفت‌وگو به واکنش تقلیل می‌یابد؛ وفاق، صرفاً در درون قدرت سامان می‌گیرد؛ و حکمرانی به مجموعه‌ای از تصمیم‌های مقطعی فرو می‌ریزد.

بدتر از همه، قدرت یک‌سویه است؛ قدرتی که گوش ندارد و فقط سخن می‌گوید. این نوع قدرت، ذهن و روان جامعه را فرسوده می‌کند، اعتماد را می‌سوزاند، احساس بی‌ثباتی بی‌پناهی می‌آفریند و زندگی روزمره مردم را از معنا تهی می‌سازد. چنین قدرتی نه ثبات می‌آورد و نه امنیت؛ فقط بحران را از سطح سیاست به درون جامعه منتقل می‌کند. آقای رئیس‌جمهور، آنچه امروز با آن مواجه‌ایم به اختلاف سیاسی است و نه بحران ساده‌ی مشروعیت؛ این شکست

به‌قلم: حمید ابوطالبی



حکمرانی است. حکمرانی بدون گفت‌وگو ممکن نیست، و گفت‌وگو بدون میانجی معتبر شکل نمی‌گیرد. احزاب بی‌اثر، رئیس‌دولتی منفرد، و حذف نخبگان و روشنفکران، دولت معیوب قرار داده است؛ چرخه‌ای که در آن: جامعه روزبه‌روز رادیکال‌تر می‌شود، دولت امنیتی‌تر می‌گردد، معیشت دشوارتر می‌شود و امکان اصلاح از میان می‌رود.

ادامه‌ی این مسیر، «دولت بدون جامعه» می‌سازد: دولتی که تصمیم می‌گیرد، اما دیگر بر جامعه‌ای پویا و مشارکت‌گر حکومت نمی‌کند؛ بلکه بر جمعیتی فرسوده، بی‌اعتماد و گسسته اعمال قدرت می‌کند.

جنب پزشکیان، مسئله‌ی ایران، فقدان سازوکار عقلانی میان ملت و دولت است، همراه با قدرتی بی‌مسئولیت. اگر دولت شما بخواهد از این بن‌بست خارج شود، راه آن نه تشدید کنترل است، نه تکرار خطابه‌ها، و نه انکار واقعیت جامعه؛ راه آن بازسازی گفت‌وگو و شراکت واقعی قدرت با معنا با مردم است. و این گفت‌وگو، بدون به‌رسمیت شناختن روشنفکران مستقل، نهادهای واسط، رسانه‌های مرجع و امنیت نقد، ممکن نخواهد شد.

بدون این‌ها، دولت - حتی با نیت خیر - صرفاً مدیری واکنشی در دل یک بحران دائمی باقی خواهد ماند. مسئولیت تاریخی دولت‌ها دقیقاً از همین‌جا آغاز می‌شود.